

A Study of the Methods of Teaching Islamic Theology Courses in Farhangiyān University from the View of Student Teachers

Ketayon Hamidizadeh 

Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran.
k_hamidizadeh@cfu.ac.ir

Abstract

The purpose of the present research is to study viewpoints of student teachers about methods of teaching theology courses at Farhangiyān university. The research method is quantitative survey and the statistical population consists of 1711 students at Farhangiyān university in Arak among whom 313 members were chosen by multistage stratified sampling. For data collection, Halimi Jelodār Questionnaire (2015) was used. The results show that 83% of student teachers assume that using modern methods is necessary for teaching Islamic theology. Besides, they are interested in the adaptation of Islamic theology courses and teaching them based on their own specialized majors. 27.7% of students consider the quality of Islamic theology textbooks as average and evaluate the performance of their professors to be 46%. Student teachers demand profound and practical education of the above courses and emphasize on some elements such as analysis as well as criticism of subjects for the improvement of students.

Keywords: Islamic Science Courses, Arak Farhangiyān University, Teaching Method, Student Teachers, Education.

Received: 2023/10/04; **Received in revised form:** 2023/10/19; **Accepted:** 2023/11/08; **Published online:** 2023/11/13

How To Cite: Hamidizadeh, K. (2023). A Study of the Methods of Teaching Islamic Theology Courses in Farhangiyān University from the View of Student Teachers. *Research Quarterly of Islamic Education and Training*, 4(4), p. 7-24. <https://doi.org/10.22034/RIET.2023.15463.1215>

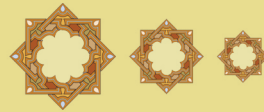
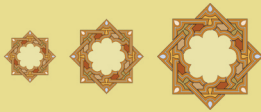
Publisher: Farhangian university

© the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>

Article type: Research Article





بررسی شیوه‌های آموزش دروس معارف اسلامی در دانشگاه فرهنگیان از دیدگاه دانشجویان معلمان

کتابیون حمیدی‌زاده ^{ID}

گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. k_hamidizadeh@cfu.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی دیدگاه دانشجویان معلمان در مورد شیوه‌های آموزشی دروس معارف در دانشگاه فرهنگیان است. روش پژوهش کمی و پیمایشی بوده و جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه فرهنگیان استان مرکزی به تعداد ۱۷۱۱ نفر است، که با روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده چند مرحله‌ای و براساس جدول مورگان، ۳۱۳ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه حلیمی جلودار (۱۳۹۴) استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد ۸۳٪ دانشجویان معلمان استفاده از روش‌های نوین آموزش معارف اسلامی را ضروری می‌دانند. همچنین دانشجویان معلمان تمایل به تنظیم دروس معارف اسلامی و آموزش آن متناسب با رشته‌های تخصصی خود دارند. ۲۷٪ دانشجویان، کیفیت متون آموزشی معارف اسلامی را در سطح متوسط دانسته و عملکرد استادان دروس معارف اسلامی را ۴۶٪ ارزیابی کرده‌اند. دانشجویان معلمان خواستار آموزشی عمیق و کاربردی در دروس معارف اسلامی هستند و برای آموزش این دروس بر عناصری مانند تجزیه و تحلیل، نقد موضوعات در جهت رشد و تعالی دانشجویان، تاکید دارند.

کلیدواژه‌ها: دروس معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان اراک، روش تدریس، دانشجویان معلمان، آموزش.



۱. مقدمه

نظام آموزشی یک جامعه، یکی از مهم‌ترین عوامل رشد و اعتلای جامعه محسوب می‌شود، که با تنظیم برنامه‌های آموزشی مناسب به دنبال تحقق اهداف مطلوب آن جامعه خواهد بود. آموزش ارزش‌های اخلاقی همیشه یکی از اهداف اصلی در نظام‌های آموزشی کشورهای مختلف در سطح دنیا بوده است (بیشاف^۱، ۲۰۱۶). در کشور ما نیز، ارزش‌های اخلاقی همواره برای نظام آموزشی در اولویت قرار داشته است و از طرق مختلف نظیر طراحی دروس معارف اسلامی در پی تحقق این اهداف بوده‌اند. دروس معارف اسلامی نقش تعیین‌کننده‌ای در آموزش و تربیت دانشجویان دارد؛ زیرا آموزش عمومی معارف اسلامی در دانشگاه‌ها به‌منظور تحقق دو هدف بنیان نهاده شده است. یک، پرورش جنبه‌های معنوی و روحانی دانشجویان و دوم، برخورداری از کارکردهای اجتماعی دین به منزله نیروی اجتماعی انسجام‌بخش و وحدت‌بخش در جامعه (حلیمی جلودار، ۱۳۹۴). فلسفه گنجاندن دروس معارف اسلامی در برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها، کمک به دانشگاه‌ها در ایفای نقش ذاتی و مأموریت اساسی آن‌ها - یعنی انسان‌سازی - است (حسینی کریمی و ضابط‌پور کاری، ۱۳۹۹) و از اهداف ارائه دروس معارف اسلامی در سطح دانشگاهی، می‌توان به انتقال معارف دینی، تربیت مدیران در تراز نظام اسلامی، تواناسازی بسترهای تحلیل اجتماعی، تقویت بنیادهای معرفتی و پاسخگویی به شبهات حوزه دین اشاره کرد (قربانی، ۱۴۰۱). دروس معارف اسلامی از چندین جهت دارای اهمیت هستند: ۱. دانشجویان درصد قابل‌توجهی از زمان خود را در کلاس‌های دروس معارف سپری می‌کنند. ۲. تأثیر این دروس در رفع ابهامات و شبهات دینی، اجتماعی و سیاسی دانشجویان. ۳. نقش الگویی و تأثیرگذاری این دروس بر سایر دروس تخصصی به لحاظ دینی کردن آن‌ها (دهقانی و همکاران، ۱۴۰۲).

درس معارف اسلامی طبق مصوبه جلسه ۲۸۲ شورای عالی برنامه‌ریزی، در گروه دروس عمومی قرار داده شده است. در دانشگاه فرهنگیان بنابر تبصره ۲ ماده ۲۳ اساسنامه دانشگاه، ۳۵ واحد دروس معارف اسلامی و تربیت اسلامی ارائه می‌شود. این دروس با عناوین «اندیشه اسلامی ۱ و ۲»، «انسان در اسلام»، «حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام»، «اخلاق اسلامی»، «عرفان عملی اسلامی» با برجسب دروس عمومی و در شاخه دروس تعلیم و تربیت اسلامی نظیر نظام تربیتی اسلام، تاریخ اندیشه و عمل تربیتی در اسلام به دانشجویان ارائه می‌شود. دروس معارف اسلامی با رویکرد تربیت دینی در دانشجو معلمان که خود معلمان آینده کشور خواهند شد، از اهمیت بیشتری برخوردار است. به همین دلیل، استادان در این

دروس به دانشجویان کمک می‌کنند که با چالش‌های جامعه مقابله کنند و از باورها و اعتقادات خود به درستی دفاع نمایند. از سوی دیگر نیز، پرورش ابعاد دینی- اجتماعی دانشجویان در اهداف مطلوب دانشگاه فرهنگیان در اساسنامه ذکر شده است؛ زیرا دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان، به دلیل جایگاه اجتماعی خاص خود به عنوان معلم، نقش الگویی برای دانش‌آموزان در آینده ایفا خواهند کرد. از این رو، تعلیم و تربیت آنان از اهمیت بیشتری برخوردار است. همچنین دانشجو معلمان می‌بایست، به عنوان نیروی آموزشی متعهد با تفکر مذهبی و ایمانی در مدارس نقش‌آفرینی کنند. امام خمینی (۱۳۵۶) در اهمیت این موضوع می‌فرماید: «جوانان روحانی و دانشگاهی باید قسمتی از وقت خود را صرف شناخت اصول اساسی اسلام کنند». در همین راستا، ارائه دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌های مختلف کشور، انجام شده است. همچنین مقام معظم رهبری در دیدار با استادان دانشگاه (۱۳۹۳/۴/۱۱) بر اهمیت آموزش دروس معارف اسلامی تأکید کرده و فرموده‌اند: «استادان دروس معارف، فرصت بسیار ارزشمندی را دارند در دانشگاه، این مجموعه عظیم دانشجویان ساعات فراوانی در اختیار استاد معارف‌اند، این خیلی فرصت با ارزشی است». با تمامی این تفاسیر، متأسفانه در سال‌های اخیر، جامعه با جنگ تبلیغاتی و تهاجم فرهنگی مواجه شده و در آن، تضعیف پایه‌های اعتقادی نسل جوان و دانشجویی کشور و ناکارآمد جلوه دادن دین اسلام، هدف قرار گرفته است؛ بنابراین، آموزش هرچه بهتر و با کیفیت‌تر دروس اعتقادی و ارزشی مانند معارف اسلامی بیش از گذشته دارای اهمیت است.

اگر آموزش در دروس معارف اسلامی به‌درستی صورت نگیرد، دانشجو معلمان از تأثیرات این دروس محروم شده و به علت شغل خطیر معلمی که در آینده اجرا خواهند کرد، دانش‌آموزان‌شان نیز از این تأثیرات بی‌بهره خواهند شد. نباید فراموش کرد که معلم رکن اساسی نظام آموزشی و تربیتی است و موفقیت یا عدم موفقیت این نظام، به فعالیت و آموزش معلم تا حد زیادی بستگی دارد (داودی، ۱۳۹۹). شیوه‌های آموزش، به روش‌های آموزشی اشاره دارد که به دنبال أخذ تدابیر هوشیارانه جهت تدریس و نظارت بر فرایند آموزش است. رضایت‌مندی دانشجویان از استادانی که صرفاً از روش‌های انتقال اطلاعات استفاده می‌کنند و مطالب درسی با حقایق جامعه و ارزش‌های زندگی پیوند نمی‌دهد؛ کم است (احمد و همکاران، ۲۰۱۷). بنابراین، دروسی مانند دروس معارف اسلامی که مبانی نظری نظام و ساختار اعتقادی اسلامی را آموزش می‌دهند، می‌بایست از لحاظ روش، محتوا و چگونگی آموزش مورد ارزیابی قرار بگیرند، تا بازنگری‌های مناسب و مستمر صورت گیرد تا در نهایت، ارزش‌های مدنظر این دروس تحقق یابد. این نیاز در راستای آن است که پژوهش‌های گذشته (امینی و همکاران، ۱۳۹۲؛ یوسفی لویه، ۱۳۸۶؛ لیاقت‌دار و همکاران، ۱۳۸۷) نشان می‌دهند، که آموزش دروس معارف اسلامی - علی‌رغم اهمیت ویژه

این دروس - با مشکلات جدی درگیر شده و رضایت دانشجویان از محتوای کتاب‌های دروس معارف اسلامی از حد متوسط کم‌تر است. این در حالی است که هدف آموزش دروس معارف اسلامی انتقال ارزش‌های اسلامی به نسل جدید و ارائه اهداف والای نظام آموزشی است. در نتیجه در ارائه این دروس می‌بایست، از روش‌های نوین آموزشی هرچه بیشتر استفاده نمود. در فرایند آموزش دروس معارف اسلامی عوامل مختلفی مانند دانشجو، استاد، محتوای آموزشی، شیوه‌های آموزش و... اثر دارند؛ که در این پژوهش، شیوه‌های آموزش دروس معارف اسلامی از دیدگاه دانشجویان بررسی می‌شود. ارزیابی آموزش دروس معارف اسلامی به ویژه در دانشگاه فرهنگیان که یک دانشگاه ارزشی برای تربیت نیروی تعلیمی - تربیتی تراز نظام جمهوری اسلامی ایران است، ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین، پژوهش حاضر به بررسی موارد زیر می‌پردازد:

۱. دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان تا چه میزان به استفاده از روش‌های نوین در آموزش دروس معارف اسلامی احساس نیاز می‌کنند؟
۲. ارزیابی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان از آموزش دروس معارف اسلامی چگونه است؟
۳. تا چه میزان دیدگاه دانشجو معلمان براساس خصوصیات جمعیت‌شناختی‌شان، با شیوه‌های آموزش دروس معارف اسلامی رابطه معنادار دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

دروس معارف اسلامی در پژوهش‌های گذشته از ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. به‌عنوان مثال امینی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی دیدگاه دانشجویان درباره موانع اثربخشی دروس معارف اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی کاشان» نشان دادند، که در دروس معارف اسلامی، موانع اصلی اثربخشی عواملی مانند روش‌های تدریس، توانایی علمی استاد، جایگاه دروس معارف اسلامی و نوع ارزشیابی این دروس، است.

فیروزی (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی دروس و جایگاه استادان معارف اسلامی با توجه به دیدگاه‌های دانشجویان علوم پزشکی ارومیه» نشان داد، که دروس معارف اسلامی با توجه به نیازهای علمی و اعتقادی دانشجویان از اهمیت بالایی برخوردار است و تدوین منابع بالادستی و کمک درسی و سازماندهی آموزش‌ها ضرورتی انکارناپذیر است.

نتایج پژوهشی دیگر با عنوان «الگوی مقایسه‌ای، راهکاری کارآمد برای تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها در ساخت تبیین و دفاع از آموزه‌های اسلامی» که توسط قربانی و ابوالحسنی نیارکی (۱۳۹۹) انجام شد، نشان می‌دهد، که دروس معارف اسلامی از نظر دانشجویان دارای اهمیت است. در

نتیجه لازم است، راهبردهایی برای توسعه این نگرش اخذ شود.

حسینی کریمی و ضابط پور کاری (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تأثیر آموزش دروس معارف اسلامی بر نگرش و انگیزش دینی دانشجویان» بیان کردند، که آموزش‌های دینی و اخلاقی مورد علاقه دانشجویان است و تمایل دارند اطلاعات و آگاهی‌هایشان در این رابطه بیشتر شود؛ اما لازم است دروس معارف اسلامی با رویکرد کاربردی بودن در زندگی آموزش داده شوند. در بررسی دیگری که توسط همین محققین (۱۴۰۰) پیرامون «بررسی وضعیت نگرش شناختی، عاطفی و عملکردی دانشجویان به درس‌های معارف اسلامی» صورت گرفت، نتایج حاکی از آن بود که دروس معارف اسلامی و چگونگی ارائه آن‌ها نیازمند بازنگری است؛ به گونه‌ای که رویکردی انتخاب شود، تا عقل، عاطفه و رفتار دانشجویان را درگیر نماید.

دهقانی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی ضرورت ارائه دروس معارف اسلامی در مقطع کارشناسی دانشگاه‌ها» نشان دادند، که دانشجویان و اساتید در ارائه دروس معارف اسلامی بر نکاتی مانند معرفت‌افزایی، آموزش استحکام بنیادهای فکری و اعتقادی و... هم‌نظر هستند.

قوی و محرمی (۱۴۰۲) نیز در تحقیقی با عنوان «بایسته‌های ارتقاء کیفیت آموزش دروس معارف اسلامی از دیدگاه اساتید و دانشجویان در پساکرونا»، نشان دادند که برجسته کردن نقش دروس معارف اسلامی در رفع شبهات اعتقادی دانشجویان و تعیین جایگاه اساتید گروه معارف اسلامی در اهداف انقلاب اسلامی می‌بایست در اولویت بالایی قرار گیرد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در پژوهش‌های صورت گرفته سال‌های اخیر، موضوعاتی نظیر موانع اثربخشی دروس معارف، روش‌های ارتقا کیفیت دروس معارف و تأثیرات دروس معارف در دانشجویان است و مطالعاتی که شیوه‌های آموزش دروس معارف اسلامی در دانشگاه فرهنگیان را مورد بررسی قرار دهد؛ انجام نشده است. در نتیجه، مطالعه حاضر در راستای این کمبود پژوهشی انجام پذیرفت.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر با روش کمی و به صورت پیمایشی صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش، شامل دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان استان مرکزی پردیس شهید باهنر و پردیس زینب کبری (س) از سال ۱۳۹۹ الی ۱۴۰۲ و به تعداد ۱۷۱۱ نفر است که از این جامعه با روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده و براساس جدول مورگان ۳۱۳ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. بنابر این روش، نمونه‌گیری سهم هر یک از جنسیت‌ها و رشته‌های تحصیلی دانشجویان در جامعه آماری در نمونه رعایت شده و سهم هر یک از جنسیت‌ها و رشته‌های تحصیلی در جدول (۱) نشان داده شده است. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌ای که پیش از این توسط حلیمی جلودار (۱۳۹۴) تنظیم شده بود، استفاده گردید. این

پرسش‌نامه در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت، نگرش دانشجویان را پیرامون آموزش دروس معارف اسلامی مورد ارزیابی قرار می‌دهد؛ که درجه یک بیشترین میزان موافقت و درجه ۵ کم‌ترین میزان موافقت را شامل می‌شود. این پرسش‌نامه شامل ۳۵ گویه است؛ که در سه شاخص به این شرح تنظیم شده است: شاخص‌های نیازسنجی از دانشجویان درباره روش‌های آموزش معارف اسلامی با ۶ گویه، شاخص‌های نحوه عملکرد استادان معارف اسلامی با ۱۸ گویه و شاخص‌های کیفیت متون آموزشی معارف اسلامی با ۱۱ گویه. به‌منظور بررسی روایی سؤالات پرسش‌نامه از نظرات ۶ نفر از استادان گروه آموزشی معارف اسلامی در دانشگاه‌ها^۱ استفاده شد و روایی آن مورد تأیید قرار گرفت و برای پایایی آن، ابتدا ۲۵ پرسش‌نامه به‌صورت تصادفی میان دانشجو معلمان توزیع شد که آلفای کرونباخ آن، ۰/۹۱ به دست آمد؛ که بیانگر پایایی ابزار پژوهش بود. تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS 17 و به دو شکل توصیفی (جداول فراوانی و درصدها) و استنباطی (آزمون‌های ضریب همبستگی گاما، T و F) انجام شد.

جدول ۱- خصوصیت جمعیتی نمونه پژوهش

جنسیت	سنوات تحصیلی	آموزش ابتدایی	امور تربیتی	آموزش کودکان با نیازهای ویژه	زبان انگلیسی	مشاوره و راهنمایی	تربیت بدنی	علوم تجربی
زن	اول	۸	۹	۰	۶	۴	۰	۰
مرد		۱۰	۹	۰	۵	۰	۹	۴
زن	دوم	۲۱	۵	۵	۰	۰	۰	۰
مرد		۳۰	۰	۵	۰	۰	۵	۴
زن	سوم	۱۶	۸	۱۰	۸	۰	۸	۹
مرد		۱۶	۶	۵	۱۰	۵	۸	۱۴
زن	چهارم	۱۲	۰	۴	۰	۰	۰	۰
مرد		۱۵	۰	۰	۰	۷	۱۱	۰

۴. یافته‌های پژوهش

در بخش یافته‌های پژوهش به تفکیک به سؤالات پژوهش پاسخ داده شده است. در همین راستا، داده‌های جدول (۲) در پاسخگویی به سؤال اول پژوهش یعنی، دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان تا چه میزان به استفاده از روش‌های نوین در آموزش دروس معارف اسلامی احساس نیاز می‌کنند؟ تنظیم شده است.

۱. دانشگاه خوارزمی، دانشگاه اراک، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

جدول ۲- نیازسنجی دانشجومعلمان از روش‌های آموزش معارف اسلامی

خیلی کم و کم	متوسط	خیلی زیاد و زیاد	گویه‌ها
۱۶/۴%	۲۲/۲%	۶۱/۴%	۱. تمایل به تنظیم و ارائه دروس معارف متناسب با رشته‌های آموزشی دانشجویان مختلف
۱۳/۶%	۳۸/۷%	۴۷/۷%	۲. ارائه دروس معارف به شکل سیر مطالعاتی
۱۱/۱%	۳۵/۳%	۵۳/۶%	۳. ارائه دروس معارف به شکل ارائه طرح‌های پژوهشی
۲۵/۶%	۳۰%	۴۴/۴%	۴. استفاده از مطالب کتاب‌های تأثیرگذار فرهنگی در دروس معارف به تناسب موضوعات و به عنوان مکمل مباحث
۱۱/۷%	۲۱/۲%	۶۷/۱%	۵. ضرورت استفاده از ابزارها و امکانات کمک آموزشی توسط اساتید دروس معارف اسلامی
۲/۶%	۱۴/۴%	۸۳%	۶. ضرورت استفاده از شیوه‌های جدید به جای تدریس کتب دروس معارف اسلامی

نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد، که ۶۱/۴٪ دانشجو معلمان به تنظیم و ارائه دروس معارف اسلامی متناسب با رشته تحصیلی‌شان تمایل دارند. ارائه دروس معارف به شکل سیر مطالعاتی ۴۷/۷٪ است و ۵۳/۶٪ از دانشجو معلمان خواستار شیوه‌های طرح‌های پژوهشی در آموزش معارف اسلامی هستند. ۴۴/۴٪ از دانشجو معلمان بر استفاده از مطالب تأثیرگذار فرهنگی به عنوان مکمل کتاب‌های درسی تأکید کرده‌اند؛ ۶۷/۱٪ بر ضرورت استفاده از ابزارها و امکانات کمک آموزشی توسط اساتید دروس معارف اسلامی اشاره داشته‌اند و در نهایت ۸۳٪ از دانشجو معلمان استفاده از روش‌های نوین در آموزش دروس معارف اسلامی را ضروری دانسته‌اند.

قبل از پاسخگویی به سؤال دوم یعنی، ارزیابی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان از آموزش دروس معارف اسلامی چگونه است؟ لازم به ذکر است، که نتایج ارزیابی دیدگاه دانشجو معلمان در سه شاخص نیازسنجی از روش‌های نوین در آموزش دروس معارف اسلامی در جدول (۲)، نتایج ارزیابی دیدگاه دانشجو معلمان از نحوه عملکرد استادان معارف اسلامی در جدول (۳) و ارزیابی دیدگاه دانشجو معلمان از کیفیت متون آموزشی معارف اسلامی در جدول (۴)، نشان داده شده است.

جدول ۳- گویه‌های شاخص نحوه عملکرد استادان معارف اسلامی

خیلی کم و کم	متوسط	خیلی زیاد و زیاد	گویه‌ها
۱۹/۲%	۳۶/۲%	۴۴/۶%	۱. جلب مشارکت دانشجویان در مباحث کلاسی
۲۴/۵%	۳۰%	۴۵/۵%	۲. تلاش در جهت ارائه پاسخ‌های منطقی و مستدل به سؤالات
۲۷/۵%	۳۵/۳%	۳۷/۲%	۳. توانمندی در رفع شبهات مطرح شده در کلاس‌ها
۲۷/۶%	۳۴/۱%	۳۸/۳%	۴. تسلط کافی بر مطالب درسی

گویه‌ها	خیلی زیاد و زیاد	متوسط	خیلی کم و کم
۵. به‌روز بودن در باب مباحث درسی و شبهات تازه	۴۸/۱%	۳۶%	۱۵/۹%
۶. قدرت بیان مطالب درسی به صورت جذاب و پویا	۵۰%	۳۲/۱%	۱۷/۹%
۷. برخورداری از بینش وسیع و فراگیر نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی	۳۹/۶%	۳۴/۶%	۲۵/۸%
۸. متمرکز بودن استاد بر سرفصل‌های درسی به جای پراکنده‌گویی	۴۰%	۴۸/۶%	۱۱/۴%
۹. اهتمام به حضور به موقع دانشجویان در کلاس	۶۸/۷%	۲۹/۸%	۱/۵%
۱۰. احترام به عقاید دانشجویان	۷۰%	۲۶/۵%	۳/۵%
۱۱. ارتباط دوستانه و محترمانه با دانشجویان	۵۳/۵%	۳۲/۷%	۱۳/۸%
۱۲. بیان مباحث کلیشه‌ای و تکراری توسط استاد	۴۱%	۳۹/۱%	۱۹/۹%
۱۳. توانمندی استاد در انتقال مطالب درسی به دانشجویان	۴۶/۳%	۳۴/۶%	۱۹/۱%
۱۴. جاذبه تربیتی شخصیت استاد	۳۹/۳%	۳۷/۵%	۲۳/۲%
۱۵. بهره‌گیری از وسایل کمک آموزشی در تدریس	۱۰/۲%	۲۲/۳%	۶۷/۵%
۱۶. تعیین پروژه‌های تحقیقاتی به دانشجویان	۳۳/۴%	۳۶/۷%	۲۹/۹%
۱۷. توانایی در ارائه مشاوره‌های اعتقادی و علمی	۴۲%	۳۱/۸%	۲۶/۲%
۱۸. شاخص عملکرد استادان معارف اسلامی	۴۶%	۳۶/۲%	۱۷/۸%

جدول (۳)، شاخص‌های مرتبط با نحوه عملکرد استادان معارف اسلامی را نشان می‌دهد. ۴۴/۶٪ دانشجویان معلمان معتقدند، استادان معارف اسلامی در سطح زیاد و بسیار زیادی بر مشارکت دانشجویان در کلاس تأکید می‌کنند. ۴۵/۵٪ از دانشجویان بر این باورند که استادان معارف به ارائه پاسخ‌های منطقی تلاش می‌کنند. ۳۷/۲٪ از دانشجویان معلمان، استادان معارف اسلامی را در پاسخ به شبهات توانمند می‌دانند. ۳۸/۳٪ بر تسلط اساتید بر مطالب درسی اشاره دارند. ۴۸/۱٪ از دانشجویان بر این باورند که استادان دروس معارف اسلامی در مباحث درسی به روز هستند. ۵۰٪ از دانشجویان به فن بیان قوی استادان دروس معارف اشاره داشته‌اند. ۳۹/۶٪ بر بینش عمیق استادان معارف در امور سیاسی و اجتماعی تأکید کرده‌اند. ۴۰٪ از دانشجویان بر این باورند که استادان دروس معارف اسلامی از پراکنده‌گویی دوری می‌کنند. ۶۸/۷٪ بر حضور به موقع دانشجویان، ۷۰٪ درصد احترام به عقاید دانشجویان و ۵۳/۵٪ ارتباط صمیمی با دانشجویان معلمان، ۴۱٪ درصد ارائه مباحث تکراری در کلاس، ۴۶/۳٪ قدرت ارائه مباحث توسط استادان دروس معارف، ۳۹/۳٪ جاذبه تربیتی استادان دروس معارف و ۱۰/۲٪ بر استفاده از وسایل کمک آموزشی اشاره کرده‌اند. ۳۳/۴٪ به پژوهش‌های تحقیقاتی، ۴۲٪ بر توانایی در ارائه مشاوره‌های اعتقادی و علمی و در نهایت، ۴۶٪ به توانایی استادان دروس معارف در مشاوره‌های اعتقادی اشاره داشته‌اند.

جدول ۴- گویه‌های شاخص کیفیت متون آموزشی معارف اسلامی

گویه‌ها	خیلی زیاد و زیاد	متوسط	خیلی کم و کم
۱. عمق محتوایی و قدرت علمی	۳۷٪	۳۴/۳٪	۲۸/۷٪
۲. سهل و روان بودن متون درسی	۳۱٪	۳۸/۴٪	۷/۴٪
۳. جذاب بودن عناوین و سرفصل‌ها	۱۵/۱٪	۴۵/۳٪	۳۹/۶٪
۴. تبیین مناسب و قانع‌کننده و مستدل مباحث	۱۹/۸٪	۴۴/۴٪	۲۴/۶٪
۵. مناسب بودن کیفیت چاپ و طراحی کتاب‌آرایی	۳۲/۷٪	۴۱/۸٪	۲۵/۵٪
۶. تناسب حجم کتاب با سرفصل‌ها و مدت یک ترم	۴۳/۴٪	۳۴/۴٪	۲۲/۲٪
۷. نامناسب بودن قیمت کتاب‌ها	۶۱/۳٪	۳۵/۲٪	۳/۵٪
۸. تناسب سرفصل‌های دروس معارف با تغییر و تحولات جدید	۱۳/۵٪	۲۱٪	۶۵/۵٪
۹. کاربردی بودن محتوا و مضامین کتاب‌های درسی معارف اسلامی	۱۴٪	۲۱/۶٪	۶۴/۴٪
۱۰. همپوشانی سطح علمی دروس معارف دانشگاه با درس تعلیمات دینی دبیرستان	۱۸٪	۲۳/۱٪	۵۸/۹٪
۱۱. شاخص کیفیت متون آموزشی معارف اسلامی	۲۴/۳٪	۲۷/۷٪	۴۸٪

همان‌طور که جدول (۴) نشان می‌دهد، در شاخص‌های مرتبط با متون آموزشی معارف اسلامی، ۳۷٪ از دانشجوی معلمان به محتوای عمیق دروس، ۳۱٪ از دانشجوی معلمان به سهولت متون درسی معارف اسلامی، ۱۵/۱٪ به عناوین جذاب، ۱۹/۸٪ به استدلال و تبیین مباحث، ۳۲/۷٪ به کیفیت چاپ، ۴۳/۴٪ به حجم نامناسب کتاب با یک ترم تحصیلی، ۶۱/۳٪ به نامناسب بودن قیمت کتاب‌ها، ۱۳/۵٪ به تناسب سرفصل‌های دروس معارف با تحولات جدید، ۱۴٪ به کاربردی مطالب، ۱۸٪ به همپوشانی دروس معارف اسلامی و کتاب‌های دینی دبیرستان و ۲۴/۳٪ به شاخص کیفیت متون آموزشی معارف اسلامی، اشاره داشته‌اند.

در پاسخ به سؤال سوم پژوهش یعنی، تا چه میزان دیدگاه دانشجوی معلمان براساس خصوصیات جمعیت‌شناختی‌شان با شیوه‌های آموزش دروس معارف اسلامی رابطه معنادار دارد؟ (جدول (۵) الی (۹) تنظیم شد که در آنها، رابطه میان خصوصیات جمعیت‌شناختی دانشجوی معلمان با سه شاخص استفاده از روش‌های نوین در آموزش دروس معارف اسلامی، عملکرد استادان معارف اسلامی و کیفیت متون آموزشی معارف اسلامی، نشان داده شده است.

جدول ۵- رابطه میان خصوصیات جمعیت‌شناختی دانشجویان با استفاده از روش‌های جدید آموزش دروس معارف اسلامی

خصوصیات جمعیت‌شناختی	مقدار	سطح معنی‌داری
جنسیت	T = 0/11	0/18
رشته تحصیلی	F = 5/ 22	0/000

بر اساس جدول (۵)، دیدگاه دانشجو معلمان درباره ضرورت استفاده از روش‌های جدید در آموزش معارف اسلامی با توجه به رشته تحصیلی‌شان تفاوت معنی‌داری دارد؛ اما از نظر جنسیت، دیدگاه دانشجو معلمان در ضرورت استفاده از روش‌های نوین در آموزش دروس معارف اسلامی تفاوتی ندارد.

جدول ۶- رابطه سال تحصیلی با ضرورت استفاده از روش‌های نوین آموزشی در دروس معارف اسلامی

درصد	خیر	تا حدودی	بلی	سنوات تحصیلی
%۱۰۰	%۱۱/۹	%۱۸/۵	%۶۹/۶	سال اول
%۱۰۰	%۳/۹	%۱۹/۴	%۷۶/۷	سال دوم
%۱۰۰	%۵/۲	%۱۰/۲	%۸۴/۶	سال سوم
%۱۰۰	-	%۷/۳	%۹۲/۷	سال چهارم

جدول (۶)، بیانگر آن است که هرچه میزان سنوات تحصیلی دانشجو معلمان بیشتر می‌شود، ضرورت استفاده از روش‌های نوین در آموزش دروس معارف اسلامی افزایش می‌یابد.

جدول ۷- رابطه بین گروه تحصیلی دانشجو معلمان با ضرورت استفاده از روش‌های نوین در آموزش دروس معارف اسلامی

درصد	خیر	تا حدودی	بلی	رشته تحصیلی
%۱۰۰	%۵/۶	%۱۶/۴	%۷۸	آموزش ابتدایی
%۱۰۰	%۱۱/۶	%۲۲/۸	%۶۵/۶	امور تربیتی
%۱۰۰	%۱۴/۹	%۲۹/۸	%۵۵/۳	آموزش کودکان با نیازهای ویژه
%۱۰۰	%۲۶/۷	%۳۱	%۴۲/۳	زبان انگلیسی
%۱۰۰	%۸/۷	%۲۸/۹	%۶۲/۴	مشاوره و راهنمایی
%۱۰۰	%۲۳/۹	%۳۲/۷	%۴۳/۴	تربیت بدنی
%۱۰۰	%۱۸/۶	%۱۹/۶	%۶۱/۸	علوم تجربی

بر اساس نتایج جدول (۷)، رشته آموزش ابتدایی با %۷۸ بیشترین میزان احساس ضرورت در کاربرد روش‌های نوین در آموزش دروس معارف اسلامی را داشته‌اند و کم‌ترین میزان به رشته زبان انگلیسی با %۴۲/۳ و تربیت بدنی با %۴۳/۴ اختصاص دارد.

جدول ۸- رابطه میان خصوصیات جمعیت‌شناختی دانشجو معلمان با ارزیابی کیفیت متون آموزشی معارف اسلامی

سطح معنی‌داری	مقدار	خصوصیات جمعیت‌شناختی
0/22	T = 0/9	جنسیت
0/32	F = 3/04	رشته تحصیلی
0/03	Gamma = - 0/21	سنوات تحصیلی

نتایج جدول (۸) نشان می‌دهد، بین سنوات تحصیلی دانشجو معلمان و ارزیابی کیفیت متون آموزشی معارف اسلامی تفاوت معنی‌داری وجود دارد، به گونه‌ای که هرچه سنوات تحصیلی دانشجویان افزایش می‌یابد، کیفیت متون آموزشی دروس معارف اسلامی را ضعیف‌تر ارزیابی کرده‌اند؛ اما از نظر خصوصیت‌های جنسیتی و رشته تحصیلی با ارزیابی کیفیت متون آموزشی ارتباطی تأیید نمی‌گردد.

جدول ۹- رابطه میان خصوصیات جمعیت‌شناختی با عملکرد استادان دروس معارف اسلامی

خصوصیات جمعیت‌شناختی	مقدار	سطح معنی‌داری
جنسیت	T=0/15	0/09
رشته تحصیلی	Gama=- 0/16	0/2
سنوات تحصیلی	F=5/39	0/09

بر اساس جدول (۹)، دانشجو معلمان با تفاوت در رشته تحصیلی، جنسیت و سنوات تحصیلی در ارزیابی عملکرد استادان دروس معارف اسلامی تفاوت دیدگاهی نداشته‌اند.

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش آموزش دروس معارف اسلامی از دیدگاه دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان در سه شاخص نیازسنجی از دانشجویان درباره روش‌های آموزش معارف اسلامی، نحوه عملکرد استادان معارف اسلامی و کیفیت متون آموزشی معارف اسلامی مورد بررسی قرار گرفت. در شاخص نیازسنجی از دانشجویان درباره روش‌های آموزش معارف اسلامی، بیشترین نیاز دانشجو معلمان مربوط به گویه ضرورت استفاده از ابزارها و امکانات کمک آموزشی توسط اساتید دروس معارف اسلامی با ۶۷/۱٪ بود. براین اساس می‌توان نتیجه گرفت، خلأ استفاده از وسایل آموزشی جدید در کلاس‌های دروس معارف اسلامی احساس می‌شود. در سال‌های اخیر با رشد فزاینده تکنولوژی و استفاده از ابزارهای متنوع آموزشی به‌ویژه پس از کرونا و آموزش‌هایی که به‌صورت مجازی ارائه شد؛ آموزش به شیوه‌های سنتی و عدم استفاده از وسایل کمک‌آموزشی روز، کلاس‌های آموزشی را کسالت‌بار می‌کند. باتوجه به اینکه ۶۱/۴٪ از دانشجو معلمان تمایل دارند که در تنظیم و ارائه دروس معارف اسلامی به رشته تحصیلی‌شان توجه شود، می‌توان نتیجه گرفت که میان طراحی و ارائه دروس معارف اسلامی و رشته تحصیلی دانشجو معلمان فاصله وجود دارد. با اینکه دروس معارف اسلامی به‌عنوان دروس عمومی عرضه می‌شوند؛ اما به علت شرایط خاص دانشجو معلمان در دانشگاه فرهنگیان لازم است، به ویژگی‌های اختصاصی هر رشته تحصیلی نیز در تنظیم این دروس توجه شود. ۵۳/۶٪ از دانشجو معلمان خواستار ارائه طرح‌های پژوهشی در آموزش معارف اسلامی هستند. این دیدگاه دانشجو معلمان با نتایج سایر پژوهش‌ها (قربانی، ۱۴۰۱؛

ضابط‌پور کاری و حسینی کریمی، ۱۴۰۰؛ حلیمی جلودار، ۱۳۹۴) همسو است. پژوهش‌های پیشین نشان داده است، که هرچه مطالب آموزشی توسط خود فراگیران فراهم شود، یادگیری عمیق‌تر صورت خواهد گرفت. به عبارت دیگر، ارائه آموزش با استفاده از طرح‌های پژوهشی اثرگذار بیشتری در یادگیری به همراه خواهد داشت. ۴۴/۴٪ از دانشجو معلمان بر استفاده از مطالب تأثیرگذار فرهنگی به عنوان مکمل کتاب‌های درسی تأکید کرده‌اند. این امر نشانگر آن است، که در آموزش دروس معارف اسلامی هر سه حیطه اهداف آموزشی (شناختی، عاطفی و رفتاری) باید مورد توجه قرار گیرد. تأکید بیش از اندازه بر بُعد شناختی و غفلت از دو بعد دیگر، تضعیف این دروس را به همراه دارد و در نتیجه اهداف اصلی که در پی تحقق آن است را محقق نمی‌سازد. امروزه نظام آموزشی در انجام وظیفه خود در جهت توسعه و رشد جامعه موفق نخواهد بود، مگر اینکه از روش‌های سنتی تدریس فاصله گرفته و مدرسین به سمت ایفای نقش‌های چندگانه و عملکرد براساس روش‌های نوین تدریس حرکت کنند (حمیدی‌زاده، ۱۴۰۲). آموزش دروس معارف اسلامی نیز، از این قاعده مستثنا نیستند. به همین دلیل است که در شاخص اول و نیازسنجی دانشجو معلمان در آموزش دروس معارف اسلامی، ۸۳٪ از دانشجو معلمان استفاده از روش‌های نوین در آموزش دروس معارف اسلامی را ضروری دانسته‌اند.

در شاخص دوم، نحوه عملکرد استادان معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان از نظر دانشجویان مورد بررسی قرار گرفت. بیشترین امتیاز دانشجو معلمان در ارزیابی آموزش دروس معارف اسلامی به گویه‌های این شاخص مرتبط به گویه‌های «احترام به عقاید دانشجویان»، «حضور به موقع آنان»، «ارتباط صمیمی با آنان» و «فن بیان قوی اساتید» بود که به ترتیب با کسب امتیاز ۷۰٪، ۶۸٪، ۵۳/۵٪ و ۵۰٪، بیشترین امتیاز ارزیابی رضایت دانشجو معلمان را به همراه داشته است. که این امر، از موفقیت اساتید دروس معارف اسلامی در مهارت‌های اجتماعی و تعاملی حکایت می‌کند. یافته‌های حاصل از این بخش با پژوهش‌های (قوی و محرمی، ۱۴۰۲؛ حسینی کریمی و ضابط‌پور کاری، ۱۳۹۹؛ حلیمی جلودار، ۱۳۹۴) همسو بود. کم‌ترین میزان رضایت دانشجو معلمان در گویه‌های شاخص‌های عملکرد استادان مرتبط با گویه «استفاده از وسایل کمک آموزشی» با ۱۰/۲٪ است. این امر نشان می‌دهد، اساتید دانشگاه فرهنگیان در دروس معارف اسلامی نیازمند بازنگری فعالیت‌های خود در استفاده از ابزارهای آموزشی را دارند و لازم است مهارت‌های فناورانه و تکنولوژی خود را ارتقا دهند. همچنین بنابر نظر دانشجویان، اساتید دروس معارف اسلامی از جاذبه‌های تربیتی کافی برخوردار نیستند (۳۹/۳٪). علاوه بر این می‌بایست بر پیش‌سیاسی و اجتماعی خود بیافزایند (۳۹/۶٪).

کم‌ترین امتیاز ارزشیابی دانشجو معلمان از آموزش دروس معارف اسلامی به شاخص‌های مرتبط با

متون آموزش معارف اسلامی برمی‌گردد. بنا بر نظر دانشجویان، متون آموزش معارف اسلامی با کتاب‌های دینی دبیرستان همپوشانی ندارند؛ از حجم مناسب با توجه به هر ترم تحصیلی برخوردار نیستند؛ با ادبیات سهل و روان، نگاشته نشده‌اند؛ عناوین جذاب ندارند؛ مباحث و موضوعات به‌خوبی تبیین نشده است و با سرفصل‌های دانشگاهی و تحولات جدید هماهنگ نیستند؛ بنابراین، تنها ۳/۲۴٪ از دانشجوی معلمان کیفیت متون آموزشی معارف اسلامی را مناسب ارزیابی کرده‌اند. براین اساس می‌توان نتیجه گرفت، بیشترین توجه در آموزش دروس معارف اسلامی در دانشگاه فرهنگیان می‌بایست در بازنگری متون آموزشی این دروس صورت گیرد. تدوین کتب آموزشی خاص این دانشگاه، که متناسب با سرفصل‌های این دانشگاه نگاشته شود، از عناوین جذاب و متن سهل و روان برخوردار باشد و با طول هر ترم تحصیلی متناسب باشد، ضروری به نظر می‌رسد. علاوه بر بررسی آموزش دروس معارف اسلامی در سه شاخص ذکر شده؛ نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد، هرچه سنوات تحصیلی دانشجو معلمان افزایش پیدا می‌کند، دانشجویان خواستار کیفیت‌بخشی بیشتر در آموزش دروس معارف اسلامی هستند. این بدین معنا است که دانشگاه فرهنگیان در آموزش دروس معارف اسلامی، نیازمند تحول اساسی در برنامه‌های درسی است. تحولاتی که پویایی بیشتر در کلاس درس را به همراه داشته باشد؛ دروس با شرایط زمانی و اتفاقات روز ارائه شود، یا سرفصل‌ها مورد بازنگری قرار گیرد. در این برهه از زمان که کشور بیش از گذشته با تهدیدهای اعتقادی و عقیدتی مواجه است، آموزش مطلوب دروس معارف اسلامی بیشتر از هر زمان دیگر احساس می‌شود و نظام آموزش عالی و به‌خصوص در دانشگاه فرهنگیان لازم است، سیاست‌هایی را جهت تقویت هرچه بیشتر این درس‌ها و کیفیت ارائه آن‌ها انتخاب نماید. دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان از عناصر مهم در درونی کردن ارزش‌های دینی در دانش‌آموزان هستند (حمیدی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۲)؛ در نتیجه، دروس معارف می‌بایست به‌گونه‌ای باشد که آگاهی‌های لازم براساس نیازهای واقعی دانشجویان و مسائل اعتقادی مبتلابه روز به‌صورت تحقیق شده، ارائه شود. در آموزش دروس معارف اسلامی نیاز به کتاب‌های درسی است که به نیازهای دانشجویان پاسخ دهد. شرط لازم در تألیف کتب دروس معارف اسلامی، تخصص مؤلفان است. کتاب‌هایی مناسب است که به دغدغه‌ها و شبهات دانشجویان و پرسش‌های آن‌ها پاسخ دهد. از سوی دیگر، در ارائه دروس معارف می‌بایست انسجام محتوایی میان مطالب کتاب‌ها و توضیحات استادان وجود داشته باشد. استادان دروس معارف اسلامی، مهم‌ترین عنصر فرایند آموزش این دروس محسوب می‌شوند که تحقق اهداف این دروس بسیار به عملکرد استادان این دروس وابسته است. طیف قابل‌توجهی از دانشجویان معتقدند، تلقی آنان از دروس معارف اسلامی تابع ویژگی‌های استاد آن درس است (فیروزی، ۱۳۹۴). همچنین دروس معارف اسلامی

می‌بایست به گونه‌ای تنظیم و ارائه گردند که دانشجویان ضمن آشنایی با عقاید دیگران، توانایی نقد و تحلیل آن‌ها را به دست آورند. علاوه بر آن، آنچه که در تدریس اساتید دروس معارف اسلامی حائز اهمیت است و آن را از سایر دروس متمایز می‌کند، تأکید بر ماهیت عقل در تفکر اسلامی است و پرورش تفکر، از جمله وظایف استادان این دروس است.

براساس نتایج به دست آمده از این پژوهش، در زمینه پژوهشی پیشنهاد می‌شود:

♦ سایر محققین در مطالعات کیفی و عمیق، به بررسی نقاط ضعف و قوت آموزش دروس معارف اسلامی از نگاه دانشجو معلمان و اساتید این رشته پردازند.

♦ برنامه‌های درسی و سرفصل‌های این دروس مورد مطالعه قرار گیرد تا نقاط ضعف و قوت آن‌ها نیز شناسایی شود.

از بُعد کاربردی براساس یافته‌های حاصل از این پژوهش پیشنهاد می‌شود:

♦ دوره‌های ضمن خدمت با محوریت استفاده از فناوری در آموزش برای اساتید دروس معارف اسلامی برگزار گردد.

♦ براساس یافته‌های حاصل از این پژوهش بیشترین نیاز دانشگاه فرهنگیان در آموزش دروس معارف اسلامی بازنگری در متون آموزشی دروس معارف اسلامی است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود دانشگاه فرهنگیان اقدام به تألیف کتاب‌های درسی ویژه دانشجو معلمان براساس نیازهای هر رشته نماید، که مبتنی بر یافته‌های حاصل از پژوهش باشد.

— منابع —

- امینی، محمد؛ صمدیان، زهره؛ رحیمی، حمید (۱۳۹۲). بررسی دیدگاه دانشجویان درباره موانع اثربخشی دروس معارف اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی کاشان. *اندازه‌گیری تربیتی*، ۴(۱۳)، ص ۲۱-۴۴.
- حسینی کریمی، باقر؛ ضابط‌پور کاری، غلامرضا (۱۳۹۹). تأثیر آموزش دروس معارف اسلامی بر نگرش و انگیزش دینی دانشجویان. *پژوهش در نگارش کتب دانشگاهی*، ۲۴(۴۷)، ص ۲۵۵-۲۸۰.
- حلیمی جلودار، حبیب‌الله (۱۳۹۴). بررسی دیدگاه دانشجویان درباره شیوه آموزش دروس معارف اسلامی با تأکید بر خصایص جمعیت‌شناختی آنان (نمونه موردی: دانشجویان دانشگاه مازندران). *پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، شماره ۳۷، ص ۱۱۱-۱۳۰.
- حمیدی‌زاده، کتابون (۱۴۰۲). بررسی الگوهای نوین تدریس از شناخت تا کاربرد میان اساتید دانشگاه فرهنگیان. *مطالعات سیاست‌گذاری تربیت معلم*، ۶(۲)، ص ۵۶-۶۷.
- حمیدی‌زاده، کتابون؛ ابراهیمی، امیرحسین؛ چزانی شراهی، ابوالفضل (۱۴۰۲). جایگاه مولفه‌های دین‌پروری در کتاب‌های هدیه‌های آسمانی دوره ابتدایی. *پژوهش در آموزش معارف اسلامی*، ۴(۲)، ص ۵۳-۶۲.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳/۴/۱۱). *بیانات در دیدار با اساتید دانشگاه‌ها*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/26859>
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۵۶). *صحیفه نور*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۳.
- داودی، محمد (۱۳۹۹). تبیین مبانی دین‌شناختی تربیت دینی و دلالت‌های آن. *تربیت اسلامی*، ۱۵(۳۴)، ص ۱۳۶-۱۱۳.
- دهقانی، علی‌اصغر؛ نصر اصفهانی، احمدرضا؛ مشکات، عبدالرسول (۱۴۰۲). بررسی ضرورت ارائه دروس معارف اسلامی در مقطع کارشناسی دانشگاه‌ها. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۵۹(۳۱)، ص ۹۱-۱۱۸.
- ضابط‌پور کاری، غلامرضا؛ حسینی کریمی، باقر (۱۴۰۰). بررسی وضعیت نگرش شناختی، عاطفی و عملکردی دانشجویان به درس‌های معارف اسلامی. *پژوهش در نگارش کتب دانشگاهی*، ۲۵(۴۹)، ص ۲۱۴-۲۳۶.
- فیروزی، رضا (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی دروس و جایگاه استادان معارف اسلامی با توجه به دیدگاه‌های دانشجویان علوم پزشکی ارومیه در دوره‌های دکترای حرفه‌ای. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۱۹(۲)، ص ۱۵۲-۱۷۲.
- قربانی، هاشم (۱۴۰۱). شاخص‌های بهسازی رویکرد تربیتی در دروس معارف اسلامی. *تربیت متعالی*، ۱(۲)، ص ۴۹-۶۹.
- قربانی، هاشم؛ ابوالحسنی نیارکی، فرشته (۱۳۹۹). الگوی مقایسه‌ای، راهکاری کارآمد برای تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها در ساخت تبیین و دفاع از آموزه‌های اسلامی. *تربیت اسلامی*، ۱(۳۱)، ص ۱۲۷-۱۴۸.
- قوی، نیره؛ محرمی، راحله (۱۴۰۲). بایسته‌های ارتقاء کیفیت آموزش دروس معارف اسلامی از دیدگاه اساتید و دانشجویان در پساکرونا. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۳۱(۵۸)، ص ۴۱-۶۵.
- لیاقت‌دار، محمدجواد؛ شانظری، جعفر؛ مسلمی، معصومه (۱۳۸۷). ارزیابی رضایتمندی دانشجویان از دروس عمومی در شهر کرمان. *انقلاب اسلامی*، ۷(۱۴)، ص ۱-۲۲.
- یوسفی لویه، وحید (۱۳۸۶). تأثیر آموزش دروس معارف اسلامی بر نگرش دینی دانشجویان. *تربیت اسلامی*، ۵(۳)، ص ۱۵۳-۱۸۴.
- Ahmad, S.S. & Tengku Kasim, T.S.A. (2017). Permasalahan dan cabaran Guru Pendidikan Islam (GPI) dalam membentuk personaliti dan akhlak pelajar: Satu analisis secara kritis. In: M.N. Mohamad, M.R.

Idris, F. Mat Zain, C. Khaegphong, A. Pattanapricawong & N.A.R. Nik Abdul Ghani (Eds.), Proceedings of the International Conference on Islam. Development and Social Harmony in Southest Asia, p. 1-15.

Bischoff, K. (2016). The Civic Effects of Schools: Theory and Empirics. *Theory and Research in Education*, 14(1), p. 91-106.